

حلقه مفقوده امنیت اقتصادی در ایران

نوشته دکتر علی اکبر گرباسیان (اقتصاددان)

اگر مفهوم «امنیت اقتصادی» را به معنی توان تأمین زندگی و امکان بر خورداری تمام و کمال افراد از نتایج مادی تلاشها و زحماتشان در بُعد فعالیتهای اقتصادی در جامعه تعریف کنیم، در می یابیم که امنیت پدیده است اولاً کیفی، که بر حسب درجه بندی های عمدتاً ذهنی قابل توصیف است. ثانیاً تأمین هر درجه معینی از کیفیت امنیت اقتصادی ماحصل برآیندی از سیاستگذاریها و اقداماتی قانونی است که عمدتاً دولت در جهت تحکیم بنیان مالکیت، اجرای عدالت، و نظارت بر حقوق کار، پول، سرمایه و کلیه داد و ستدها و یا خلق آثار هنری و علمی، انجام می دهد. بدین ترتیب مسئولیت سنگین و نقش حساس قوه قضائیه، به عنوان متولی و مجری قانون و آخرین ملجاء در حفظ حقوق و انجام تعهدات دولت و مردم نسبت به یکدیگر، و نهایتاً تأمین کننده کیفیت مطلوبی از فضای امن اقتصادی در ایران، بخوبی آشکار می شود.

کیفیت امنیت اقتصادی در ایران (۱) از آثار آن مشهود است و تأمین آن (۲) به قوه قضائیه و نظام دادگستری کشور منحصر نمی شود. همینطور (۳) به اجرای دقیق و صحیح و فراگیر قانون در جامعه، در حالت EX POST^(۱) محدود نیست، بلکه، ایجاد گسسته تری در حالت EX ANTE^(۲) دارد. زیرا که، بر خوردار شدن نهادهای تولید از چتر حمایتی قانون و قضا، اگرچه از جمله مؤلفه های مؤثر محسوب می شود و موجب حضور امنیت در جامعه است، ولی سیاستگذاریهای دولتی در قوه مجریه و تصویب قوانین در قوه مقننه، در شکل دادن به کیفیت موجود در ساختار امنیت اقتصادی کشور، و بر خوردار کردن مردم از حاصل تمام و کمال زحمات خود، نقش بسیار مهمتری دارد. به عبارت ساده تر، قبل از آنکه بین عوامل تولید داد و ستدی انجام شود و از بابت انجام کار یا سرمایه گذاری حق و حقوقی، یا مسئولیت و تعهدی ایجاد گردد که قوه قضائیه به دخالت و اجرای قانون ملزم شود، ورود عوامل فوق به فضای اشتغال و تولید، به امنیت و فضای مناسب کار نیازمند است. پس وجود محیطی امن و با ثبات و عاری از هرگونه جو تهدید، مصادره، اجحاف، ضبط و بر خوردهای سلیقه ای دولتی که بر پایه های عقل، انصاف، منطق و

تأیید فعالیتهای مردمی استوار باشد، تعریف وسیعتری از مفهوم امنیت اقتصادی یا کیفیت مطلوب را در جامعه به دست می دهد.

و حجتان امنیت اقتصادی

از بین عوامل تولید، سرمایه را در نظر بگیرید. سرمایه، که یکی از مهمترین نهادهای تولید است، طبیعتاً ماهیتی فزاینده و شدیداً تهدیدپذیر و در نتیجه سریعاً آسیب پذیر دارد. بدفعات مشاهده شده هنگامیکه ناامنی و بی ثباتی همراه انقلاب و یا آشوب و جنگ بر کشوری حاکم شده، یا بلحاظ سیاستگذاریهای ناشیانه سرمایه مورد بی مهری و بی توجهی دولت قرار گرفته، این عامل، بی سر و صدا و بسرعت از آن کشور خارج شده است. در کشور ما نیز سرمایه، سرمایه گذار و کارآفرین، یا جلوه های سستی آنها در قالب کشاورز، باغدار، کارخانه دار و کارگر، همه به فضائی مساعد برای آغاز کار و فعالیت و اعتماد نسبت به بر خوردار شدن از نتیجه زحمات و کار و کوشش خود نیازمندند. چنانچه ناامنی سبب حذف این عوامل شود، و گروههای مزبور نسبت به بر خورداری از نتیجه کار خود دچار تردید شوند، طبیعتاً به کشورها و جوامع امن تری نقل مکان خواهند کرد. محیط امن و فضای مساعد را در ایران عمدتاً سیاستگذاریهای دولتی، و طرز بر خوردهای دولت با بخش خصوصی، اجرای قانون، و عملکرد قوای سه گانه کشور، تأمین می کند.

از طرف دیگر، امنیت اقتصادی، با کیفیت لازم و کافی، موهبتی است ملی که با درایت و کوشش فراوان در طول زمان و تدریجاً حاصل می شود و بر تصورات مردم از امنیت مالی اثر مثبت ایجاد می کند. لکن با کوچکترین شایعه ناامنی و آشوب یا سیاستگذاریهای نامطلوب، نظم جامعه بر هم می خورد و شیرازه آن به سرعت از هم می گسلد. و اگر ناامنی اقتصادی ادامه یابد سرمایه گذارها متوقف می شود و بزودی فقر و فاقه همه جاگیر خواهد شد. به همین مناسبت عقل سلیم حکم می کند در شرایط صلح، سیاستگذاریهای دولتی سنجیده تر انجام گیرد و همیشه اصل «بالا ترین دستاوردها برای بالاترین تعداد» و سپردن «کار مردم به مردم» در اولویت باشد. در این حالت، انگیزه های سازنده مردمی تحریک می گردد، مصرف محدود

می شود، پس انداز ملی افزایش می یابد و سرمایه های بیشتری به سمت فضای تولید و تجارت در کشور حرکت می کند. در پرتو سرمایه گذاریهای جدید مشاغل جدیدی ایجاد می شود و لاجرم درآمدهای جدیدی حاصل خواهد شد. ارزش افزوده ناشی از کار و سرمایه های مردم نیز در داخل کشور حاصل، و نصیب مردم ایران خواهد شد.

در نقطه مقابل، هنگامی که امنیت اقتصادی در کشور رو به افول بگذارد، بیکاری نیروی کار آشکارتر و وسیعتر می شود؛ نیروی کار شاغل نیز ناراضی تر خواهد شد. فرار سرمایه ها شدت می یابد و سرمایه گذاریهای خصوصی سیر نزولی خواهد پیمود. در این حالت چون دولت مجبور به حفظ بقا است، هر زمان و هر کجا که مردم از فعالیت تعلل ورزند، با سرمایه های عمومی وارد عمل می شود و بجای بخش خصوصی به تولید کالا و خدمات خواهد پرداخت. جایگزین شدن دولت، مالکیت و تصدی دولتی را گسترش خواهد داد و جامعه را به مسیری خطرناک هدایت خواهد کرد. اینکه سهم تولید ناخالص ملی ایران در بخش دولتی اکنون به حدود ۸۵ درصد رسیده است به وضوح گویای کیفیت امنیت اقتصادی در کشور است.

بیان و قلم؛ عامل ناامنی

گفته شده «رفتار گویایتر و رساتر از گفتار است». ولی گفتار و نوشتارها نیز در حد خود می توانند عامل گسترش ناامنی و تشتت در اقتصاد کشور شوند. بی تردید محدود افرادی که برخی اوقات در نشریات کشور و حتی در مجلس شورای اسلامی با زبان و بیان خود فضا را آکنده از جو ناامنی و بی اعتمادی می کنند و انگیزه های پنهانی خاصی را دنبال می کنند، دانسته یا نادانسته با مردم ایران عناد می ورزند و در جهت آسیب رساندن به اقتصاد کشور عمل می کنند. دامن زدن به آتش تفرقه و تضاد بین نهادهای تولید سیاست احزاب خود فروخته و ورشکسته در بعد از جنگ جهانی دوم در ایران بود. تفکر نظام سرمایه داری دولتی، که تفرقه در جهان سوم را دنبال می کرد اکنون خود در جهان به بن بست رسیده است. نیروی کار همیشه به همکاری با سرمایه نیاز دارد و سرمایه نیز همیشه به همکاری با نیروی کار نیازمند است. لکن

اشتغال نیروی کار بیشتر و اشتغال سرمایه‌های جدید، تحت شرایط کنونی کیفیت امنیت اقتصادی در ایران، نیازمند تجدید نظر کلی در سیاست‌گذاریها و انتخاب خط مشی‌های صحیح اقتصادی است.

این یک تناقض فاحش در بطن جامعه ایران است که از یک طرف، دولت‌خواهان فعالتر ساختن بخش خصوصی و کارآفرینان وطنی باشد، تا کارخانجات زیان‌دهنده دولتی را خریداری و تجدید مدیریت کنند، زیرا که تورم فزاینده ناشی از زیان‌مدیریت و تصدیی دولتی، به ابعادی خطرناک رسیده است. ولی، از طرف عده‌ای دیگر، همین کارآفرینانی که قرار است اقتصاد کشور را نجات دهند، آماج ناسزا قرار می‌گیرند و تهدید می‌شوند.

این یک تناقض خطرناک، و یک عامل افول کیفیت امنیت اقتصادی در ایران است که پس از گذشت هفده سال از پیروزی انقلاب و تثبیت نظام، دادگاه‌های انقلابی هنوز موظف و مجاز باشند در اموری نظیر توقیف و مصادره اموال مردم مداخله کنند، در حالی که توقیف‌ها و مصادره‌ها مربوط به اموال نامشروع کارگزاران نظام گذشته بوده، و اینک تخلفات مالی طبعاً باید مانند سایر جرائم در محاکم صالحه دادگستری مورد رسیدگی قرار گیرد. کما این که متهمان به ارتکاب تخلفات مالی هنگامی نظیر سوء استفاده ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات و نیز سوء استفاده‌های مشابه در دادگاه‌های عمومی محاکمه شده‌اند و می‌شوند.

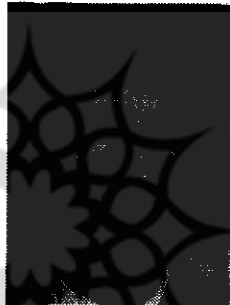
آثار نامنی اقتصادی

کیفیت امنیت اقتصادی در ایران را می‌توانیم با مراجعه به آثار آن مورد بررسی قرار دهیم. اگر سالیانه بخش ناچیزی از درآمدهای مردم در قالب سپرده‌های گوناگون جذب نظام بانکی کشور می‌شود، یا درصد سرمایه‌گذاری‌های مولد توسط بخش خصوصی، نسبت به تولید ناخالص ملی، بسیار کم است، بطوری که حتی استهلاک سرمایه‌گذاری‌های قبلی را به زحمت پوشش می‌دهد و به هیچ وجه برای کشور در حال رشدی مانند ایران مکفی نیست، گویای این واقعیت است که کیفیت امنیت اقتصادی ضعیف است و مردم کیفیت بالاتری را می‌طلبند. رشد و توسعه اقتصادی بدون تأمین سطحی مطلوب و کیفیتی قابل قبول از امنیت اقتصادی ممکن نیست.

اگر در اوایل انقلاب، به علت تغییر شرایط اجتماعی، میلیاردها دلار سرمایه از ایران خارج شد و هزاران نفر از مدیران با تجربه کشور را ترک کردند، امری قابل درک و توجیه‌پذیر بود. ولی این موضوع که اکنون، پس از هفده سال هنوز هم روند حرکت سرمایه‌ها و مغزهای آموزش‌دیده و با تجربه کشور از

داخل کشور به سمت خارج و کشورهای بیگانه ادامه داشته باشد به هیچ وجه موجه نیست. علل این روند را باید در سطره کیفیتها و گستره سیاست‌گذاریهای مؤثر بر امنیت اقتصادی و انتظارات مردم از آینده خود جستجو کرد.

اگر دولت و ساختار حکومتی کشور عملاً نشان دهند که جو جبری و اجتناب‌ناپذیر دوران اولیه انقلاب پایان یافته و دوره صلح و آشتی ملی و سازندگی ملی فرا رسیده است و کار مردم به مردم سپرده خواهد شد، مسیر حرکت مغزها و سرمایه‌ها نیز تغییر جهت خواهد داد. هنگامی که کیفیت امنیت اقتصادی در داخل به سطحی از کیفیتهای برابر با کشورهای خارج برسد، مطمئناً سرمایه‌ها از خارج به داخل کشور سرازیر خواهند شد و ایرانیان تحصیل کرده و صاحبان تجربه به وطن باز خواهند گشت. خروج سرمایه‌های مالی و انسانی، که نتیجه آنرا در افول اکثر شاخص‌های سرانه اقتصاد کلان و نهایتاً در کاهش کیفیت‌ها و سطح زندگی مردم مشاهده می‌کنیم،



نتیجه جبری عدم توفیق در اثبات این واقعیت است که فضای مناسبی برای تأمین امنیت اقتصادی در کشور ایجاد شده است.

نمی‌توان نادیده گرفت که کارآفرینان و سرمایه‌گذاران وطنی و غیروطنی، که حتی به فعالیت در مناطق آزاد کشور تن در نمی‌دهند، درجات بالاتری از نظم و تأمین و تضمین را انتظار دارند. در شرایط کنونی، که از یک طرف با بدهیهای ۴۵ میلیارد دلاری در اقتصاد کشور مواجهیم و از طرف دیگر کمبود شدید ارزی وجود دارد، و روند سیاست‌گذاریهای دولت نامعلوم است، نیاز به تأمین امنیت بیشتر، و روز به روز جدی‌تر احساس می‌شود. به همین دلیل لازم است با نگرشی جدید و جامع‌الاطراف و واقع‌بینانه‌تر، بنیان امنیت اقتصادی کشور و کیفیتهای آن مورد توجه و بازنگری مسئولین و دست‌اندرکاران حکومتی قرار گیرد.

تجربه نشان داده علت این که پس از منع معاملات ارزی در سال گذشته بخش ساختمان از رونق نسبتاً خوبی برخوردار شده است و یا اخیراً مردم به خرید سهام روی آورده‌اند، بدون اینکه از ارز و یا کمکه‌های

بلاغوض دولتی استفاده کنند، برخوردار می‌باشند این فعالیتها از امنیت نسبی بالاتری، در مقایسه با سایر بخشهای اقتصادی کشور است. زمینهای شهری دارای اسناد مالکیت رسمی و قطعی و بلامنازع هستند و ساختمان‌سازی و بنای واحدهای مسکونی کمتر با قانون کار سروکار دارد. اگر بخش‌های کشاورزی و یا تولیدات صنعتی خصوصی، در مقایسه با بخش بازرگانی و خدمات، از رونق چندانی برخوردار نبوده و نیست، علل آن را باید در مصادره‌ها، واگذاریهای مشاع و نیم بند، و کلاً تلاطم در بنیان مالکیت املاک و مزارع و زمینهای کشاورزی و دخالت‌های سلیقه‌ای و بازدارنده عوامل حکومتی در امور مالکین و کشاورزان خرد و درشت ریشه‌یابی کرد. البته استثنائاتی به صورت موضعی وجود داشته‌اند. هرکجا و هر زمان که تشویق و توجه دولت وجود داشته، رونق نیز حاصل شده است.

اقبال سرمایه‌گذاران به بخش ساختمان، در مقایسه با بخش‌های صنعت یا کشاورزی، بیشتر و مطلوب‌تر است و این در حالی است که هر واحد پولی که در بخش تولیدات صنعتی یا کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌شود اثرات ثانوی ارزنده‌تری را بر اقتصاد کشور می‌گذارد. این اثرات در بخش ساختمان یا خدمات ناچیز است. سلامت و بقای اقتصاد بدون نفت هنگامی تضمین خواهد شد که کارخانجات کشور در سه شیفت کاری فعال شوند و محصولات آنها عمدتاً به کشورهای خارج صادر شود و ارز حاصل به کشور باز گردد.

جای پای دولت

بسی توجیه‌های حکومتی نسبت به بخش خصوصی، که ناشی از (۱) گسترش بخش عمومی و (۲) سیاست‌گذاریهای بی‌ثبات دولتی است، در بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، تصویب‌نامه‌ها و اصلاحیه‌های پی در پی و ضد و نقیض منعکس است. این بی‌توجهی‌ها نه برای مردم مفید است و نه مزید نظم اجتماعی و نه تأمین‌کننده امنیت اقتصادی. هنگامی که صاحب حرفه‌ای که طرحی موجه دارد، بلحاظ تقدم دولت بر مردم در برخوردار شدن از تسهیلات بانکی (ونه تسهیلات تکلیفی) نمی‌تواند به تسهیلات بانکی و مجوزهای دولتی لازم دست یابد، یا صاحب صنعتی که بهای کامل اعتبارات اسنادی خود را به بانک پرداخت کرده است نمی‌تواند به موقع به کالا و مواد مورد نیاز کارخانه خود دست یابد، از نظر این دو نفر بنیان امنیت اقتصادی کشور متزلزل و خطرپذیری سرمایه‌گذاری بسیار بالاست.

هنگامی که فردی در نظام بانکی دولتی ایران حساب سپرده قرض‌الحسنه افتتاح می‌کند، ولی به

هنگام احتیاج و برداشت، بعلت وجود تورم ۵۰ درصدی سالیانه دولتی، قادر نیست به همان قدرت خرید قبلی سپرده خود دست یابد، نه تنها امانت‌داری نظام بانکی کشور را زیر سؤال می‌برد، بلکه نسبت به اجرای عدالت در نظام بانکداری اسلامی هم مشکوک می‌شود. در این شرایط یک ساختار حقوقی که سپرده‌گذار را قادر سازد به حقوق حقه خود دست یابد، وجود ندارد. پس از نظر وی کیفیت امنیت اقتصادی کشور مطلوب نیست، زیرا که به دلیل سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی موجود، قدرت خرید

از حساب او گرفته شده و به حساب استفاده‌کنندگان از تسهیلات بانکی انتقال یافته است. به عبارت ساده‌تر، هم اکنون، نظام بانکی ایران بدون رضایت سپرده‌گذار، مال او را به دیگری منتقل می‌کند.

هنگامی که دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان علیرغم افزایشهای پولی سالیانه، و افزایش بهره‌وری‌ها، دائماً در پس نرخ تورم حرکت می‌کند و همین امر موجب می‌شود که فساد اداری شجوع یابد و آن گروه از حقوق‌بگیران که قادر به سوء استفاده نیستند اجباراً باید به شغل دوم و سوم پناه ببرند تا بتوانند جریان کاهش قدرت خرید دستمزد و حقوق خود را بنمایند، لذا می‌توان گفت در شرایط فعلی تردیدی در مورد فقدان امنیت اقتصادی برای نیروی کار در ایران وجود ندارد.

هنگامی که یک کشاورز نتواند محصول خود را به قیمت مناسب به کارخانه دولتی تحویل دهد و بهای آن را به موقع دریافت کند، حق وی پایمال می‌شود و روحیه نارضایتی بر وی مستولی می‌گردد. کشاورز نسبت به توان مدیریت دولتی مشکوک می‌شود و صحت سیاست‌گذاری‌ها و توان دولت را زیر سؤال می‌برد. کمترین اثر منفی این وضعیت بر جامعه این است که در

مراحل بعدی کشاورز کمتر می‌کارد و سطح فعالیت‌های خود را کاهش می‌دهد. هنگامی که بخش قابل توجهی از کشاورزان بدینگونه عمل کنند، آهنگ حرکت اقتصادی کشور سست‌تر می‌شود.

هنگامی که دولت، به انکای جواهرات ملی، از بانک مرکزی که وظیفه اصلی آن حفظ ثبات پول و قدرت خرید مردم است می‌خواهد که بی حد و حصر به چاپ و انتشار اسکناس بدون پشتوانه بپردازد، و اسکناسهای جدید را، به عناوین گوناگون، همراه با سرجمع کل تسهیلات اعتباری بانکهای کشور، در اختیار عوامل خود و دستگاه‌های دولتی قرار می‌دهد،

و بدین ترتیب عملاً حدود نیمی از قدرت خرید پولهای مردم را سالیانه از آنها مصادره می‌کند، حقوق همه مردم مورد تعرض آشکار قرار می‌گیرد. در این حالت، از نظر پیرمرد از کارافتاده‌ای که همه دارائی خود را به بانک دولتی سپرده است تا از محل سود آن کمک خرج زندگی خود را تأمین کند، کیفیت امنیت اقتصادی در ایران در حد صفر است.

و سرانجام، هنگامی که مجوزهای خاص و دلارهای زیر قیمت به بنیادهای فوق دولتی پرداخت می‌شود تا با شعار «شکستن قیمت‌ها» و «حمایت از

زمانی نسبتاً طولانی باید بگذرد تا ضربات مهلك حاصل از اینگونه مداخلات ناشیانه دولتی، که در اندک زمانی هزاران نفر را به زیر خط فقر می‌کشد، فراموش شود و جریان امور به زوال عادی باز گردد. این موارد و صدها مورد دیگر، نمونه‌های بارزی از مفهوم کیفیت امنیت اقتصادی در ایران بدست می‌دهند، مواردی که در همه آنها جای پای دولت قابل مشاهده است.

امنیت و سرمایه‌گذاری

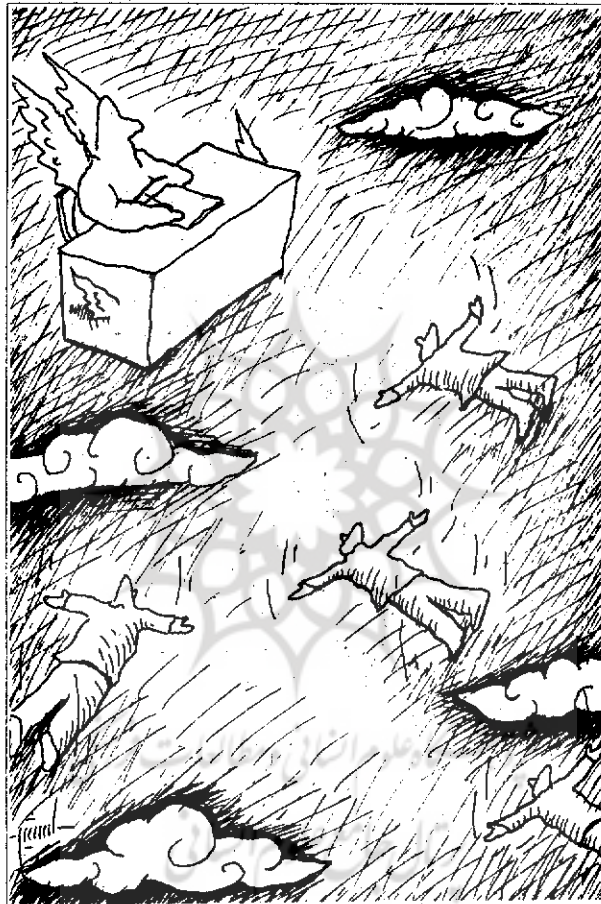
امنیت اقتصادی پدیده‌ای است حیاتی.

مطلوب و مفید که گسترش و تعمیق و ارتقاء کیفیت آن از رجحان غیرقابل انکاری برخوردار است. زیرا منافع اقتصاد ملی، که در پرتو تأمین درجه مطلوبی از امنیت اقتصادی در جامعه حاصل می‌شود، به مراتب بر اثرات غیرمطلوب آن افزون‌تر است. برای مثال، سرمایه‌گذارهای جدید را در نظر بگیرید. افزایش حجم سرمایه‌گذارهای خصوصی، که نقش تعیین‌کننده آن در رشد اقتصادی کشور غیرقابل تردید و انکار است، با تحکیم بنیان مالکیتها و تأمین امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای مردم و تعمیم و فراگیری هرچه وسیعتر آن در کشور، رابطه‌ای مستقیم دارد. هر اندازه امنیت مال و سرمایه و کسب و کار و دستمزد نیروی کار و حقوق مالک و زارع در روستا و شهر و در مزرعه و کارخانه بهتر تعیین و تأمین شود، دلگرمی مردم به کار و کوشش دز تولید و تجارت بیشتر می‌شود، سطح بیکاری در کشور کاهش می‌یابد و اقتصاد رونق می‌گیرد.

بی‌مورد نیست دولتهایی که توانسته‌اند کیفیت امنیت اقتصادی را در کشور خود به سرمایه‌ای ملی تبدیل کنند، موجب سهولت جذب سرمایه‌های خارجی به کشور خود

شده‌اند. هم اکنون سالیانه میلیاردها دلار سرمایه از کشورهای آشوب‌زده جهان به کشورهای «امن‌تر» جهان سرازیر می‌شود. کشور سوئیس، که فاقد هرگونه منابع طبیعی با اهمیتی است، فقط با تأمین امنیت مالی نسبتاً بالائی سالیانه میلیاردها دلار را به شبکه بانکهای غیردولتی خود جذب می‌کند. و حتی در مواردی از این سرمایه‌ها به جای پرداخت بهره، بهره هم دریافت می‌کند!

به یاد می‌آوریم هنگامی که در اواسط دهه هفتاد میلادی نامی به کشور لبنان وارد شد و یا در سالهای اخیر که با جنگ نفت در خلیج فارس، امیرنشینهای



مصرف‌کننده، مرغ منجمد، شکر، فولاد و دهها قلم کالاهای دیگر را به کشور وارد کنند. و به دامپینگ داخلی (۳) (DUMPING) مبادرت ورزند، شبکه انکائی و زنجیره‌ای قیمت‌های نهاده‌ها و ستاده‌ها، برای تک تک این کالاها برهم می‌ریزد و در نظم تولید و توزیع اختلال و گسیختگی ایجاد می‌شود. ورود مرغ منجمد از فرانسه به ایران، نه تنها ورشکستگی عده‌ای از مرغداران و زحمت‌کشان را در پی داشت، بلکه همین اقدام باصطلاح حمایتی، خود به عاملی ضد مردمی و ضد ارزش و نابودکننده مردم خرده‌ها میندل شد.

جنوب خلیج فارس نیز در معرض ناامنی قرار گرفتند، طی چند روز دهها میلیارد دلار سپرده شبکه بانکی این کشورها به بانکهای کشورهای امن انتقال یافت. انگیزه جهت جذب سرمایه‌های خارجی در تعدادی از کشورها به قدری بالاست که بعضی‌ها معتقدند در ورای هرگونه آشوب و ناامنی در جهان، منافع این کشورها را باید جستجو کرد. اگر چنین

در واقع، نظام بانکی کنونی ایران بدون رضایت سپرده‌گذاران، مال او را به دیگران منتقل می‌کند!

معدود کرد. تجارت دولتی و سوسیدهای مصرفی روحیه کار و تلاش مردم را سست کرد و قدرت خلاقیت و اتکای بخود را از مردم گرفت. مدیریت و تصدی دولتی اصل فرصت برابر برای همه مردم را زیر پا گذاشت. جنگ تحمیلی نیز مزید بر علت شد و کارها را به سوی هرچه بیشتر دولتی شدن سوق داد.

اکنون مردم از بدهیهای عظیم دولت

به خارج و تحریمهای دولت آمریکا نسبت به ایران آگاهی دارند. ولی کاهش ارزش واقعی دستمزد و حقوق و سپرده‌های خود را با تمام وجود خود لمس می‌کنند و آن را موجه نمی‌دانند. در شرایط فعلی مردم توجه به حفظ مال و قدرت خرید دستمزد و حقوق خود را از دولت می‌طلبند. لازم است که دولت با سیاست‌گذارسیهای منطقی‌تر و اصولی‌تر تصورات کنونی مردم را به تدریج عوض کند تا رفتار اقتصادی مردم نیز عوض شود. باید در این مورد بسیار کار کرد. از سطح هیأت دولت و شورای اقتصاد گرفته به پائین، باید برای مردم انگیزه و امید ایجاد کرد. دولتمردان باید در مواضع خود نسبت به کیفیت اجرای عدالت اقتصادی و نظارت بر حقوق و تعهدات متقابل کار، پول، پس‌انداز، سود، مالیات و سرمایه‌گذاری و اصولاً بنیان امنیت اقتصادی در کشور تجدید نظر جدی کنند. بدیهی است با امنیت بیشتر و با داشتن منابع غنی نیروی انسانی در کنار منابع عظیم معدنی در ایران، می‌توانیم با بهره‌گیری بهینه‌تر از عوامل تولید، رشد اقتصادی فزاینده‌ای را، در مقایسه با دیگر کشورها، داشته باشیم. انشاءالله.



- ۱- EX POST معمولاً در مورد رویدادی بکار برده می‌شود که رخ داده و اثرات خود را آشکار کرده است.
- ۲- EX ANTE معمولاً در مورد مواردی بکار برده می‌شود که اتفاقی افتاده اما اثرات آن بعدها آشکار خواهد شد.
- ۳- دامپینگ = پر کردن بگ بازار با کالایی به قیمتی زیر نرخ متعارف، با هدف خارج کردن رقیب از صحنه

نتیجه‌گیری

تأمین امنیت اقتصادی واقعی و ارتقاء سطح کیفیت آن در ایران را باید از لازم‌ترین اقدامات زیربنایی برای اقتصاد کشور محسوب کرد. تبدیل کردن امنیت اقتصادی به سرمایه‌ای ملی نیاز به سرمایه‌گذاری فیزیکی، که ارزیابی داشته باشد، ندارد. آنچه لازم است ابتدا توجه مسئولین حکومتی به مطلوبیت امنیت به عنوان یک «ارزش ملی» است، و سپس همکاری و همفکری جهت اصلاح سیاستها و تغییر جهت سیاست‌گذاریهائی است که موجب ناامنی کنونی در اقتصاد کشور و زندگانی مادی مردم شده است.

تا زمانی که امنیت واقعی حاکم نشود، یعنی اینکه دولت کوچکتر نشود و کار مردم را به مردم نسپارد، دلیلی وجود ندارد که کارآفرینان بی‌تفاوتی‌های کنونی خود را کنار بگذارند و سرمایه‌گذاران بیش از پیش در کارخانه و مزرعه فعالیت شوند. یا اینکه مردم کمتر مصرف و بیشتر پس‌انداز کنند.

در کشورهای طراز اول جهان وجود کیفیت مطلوبتری از امنیت اقتصادی از سالها قبل، در قالب امری لازم و بدیهی پذیرفته شده است. در این کشورها، اگرچه امنیت مالی از جمله مؤلفه‌های بسیار قوی در امر توسعه اقتصادی بوده است، لکن اکنون تنها در قالب ساختارهای اجتماعی و باثبات و پارامتری تغییر ناپذیر مورد توجه است. در این کشورها تنها جنگ و آشوب برهم زنده کیفیت امنیت است. ولی سیاست‌گذارسیهای دولت عمدتاً مشوق فعالیت‌های مردم است.

ولی در ایران، در سالهای اول انقلاب، ابتداء جو دولت محوری و تصدی دولتی و شیوه تولید، واردات و توزیع دولتی، فرصت فعالیت را از مردم گرفت و به دولت منتقل ساخت. شیوه دولتی سودهای بنادآوردهای را نصیب عده‌ای

باشد، تنها با افزایش کیفیت امنیت اقتصادی در کشور می‌توانیم این توطئه‌ها را خنثی کرده و این سرمایه‌ها را در کشور حفظ کنیم. در توان ما هست که امنیت را حتی به سرمایه‌های ملی مبدل سازیم.

نظم اجتماعی، حکومت قانون و امنیت اقتصادی همه بر روی محاسبات هزینه‌های تولید مؤثر هستند. امنیت بیشتر برای نیروی کار، سرمایه و «کارآفرین» به معنی خطرپذیری کمتر و ریسک کمتر و در نتیجه هزینه تمام شده کمتر برای کالا و خدمات است، که نهایتاً به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود.

در شرایط موجود کارآفرین بومی تصورات ملموسی از انواع ناامنی‌ها در ذهن خود دارد. از قانون کار و ممیزین مالیاتی وحشت دارد. قانون کار نیروی کار را در ایران از هزینه‌ای متغیر در تولید به هزینه‌ای ثابت تغییر ماهیت داده است. این قانون حتی از کارگران بی‌نظم و وظیفه‌شناس حمایت می‌کند و مانع از آن می‌شود که نتیجه زحمات و خلاقیت‌ها در فرایند تولید مستقیماً و منحصرأ نصیب خالق اثر شود.

در حالی که اکثر شاخص‌های سرانه مانند تولید داخلی، درآمد ملی، سرمایه‌گذاریهای جدید، درآمدهای ارزی و غیره در اقتصاد ایران رو به افول هستند، نیاز به ارتقاء بخشیدن به کیفیت امنیت اقتصادی در کشور بیشتر از همیشه احساس می‌شود. اگر مردم تاکنون از خرید کارخانجات و املاک دولتی استقبالی چشمگیر نکرده‌اند، بدین دلیل است که نسبت به امنیت مال و سرمایه و برخوردار شدن از نتایج زحمات خود تردید دارند.

بنابراین لازم است برای حفظ سرمایه‌های پولی و انسانی کشور از قوانین و روشهای متداول در کشورهای موفق الگوبرداری کنیم. مثلاً در مورد خلق آثار هنری و علمی و ثبت اختراعات فنی حمایت و امنیت لازم و کافی را در اختیار صاحبان آنها قرار دهیم. در هر صورت وظیفه دولت ایجاد ثبات، امنیت و سپردن کار مردم به مردم است. و به طور خلاصه برای این که سرمایه‌های کشور به محیط‌های مساعد خارجی جذب نشوند، باید محیط مساعدتر و مطلوب‌تر را در داخل کشور فراهم کنیم.

خانه موی ایران

اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران

از یکصد تار مو تا یکصد هزار تار مو

روش تسین اسکن از آمریکا

بدون عمل جراحی

ولی عصر، جنب سینما آفریقا، طبقه سوم
۸۸۹۲۲۸۱ - ۸۹۸۴۲۳